گزارش

پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان از ابلاغ نظام‌نامه جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان خبر داد

حذف بستر فسادآور مهندسان ناظر ساختمان

شرق: رئیس انجمن صنعت ساختمان از ابلاغ نظام‌نامه جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان توسط وزیر راه و شهرسازی خبر داد و گفت یکی از مهم‌ترین بندهای نظام‌نامه جدید، اصلاح شیوه نظارت بر کیفیت ساخت‌وساز است. پژمان جوزی توضیح می‌دهد در سال‌های گذشته شاهد فساد گسترده در بخش نظارت بر کیفیت ساخت‌وساز بوده‌ایم و بسیاری از مهندسان ناظر با وجود دریافت مبالغ هنگفت از سازندگان، حتی یک بار سر پروژه‌های ساختمانی حاضر نمی‌شدند و امضاهای طلایی در این بخش شکل گرفته بود، اما با ابلاغیه جدید، بساط این رانت و فساد برچیده شده است.

بساط رانت برچیده شد

پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان در گفت‌وگویی با «شرق» به جزئیات این ابلاغیه پرداخته و می‌گوید: «وزیر راه و شهرسازی روز چهارشنبه نظام‌نامه جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان را ابلاغ کرد که براساس آن، این نظام‌نامه دارای ارکان و بخش‌های مختلفی است که یکی از مفیدترین و اثرگذارترین موارد مطرح‌شده در نظام‌نامه جدید، بند ۹ و موضوع حذف سیستم ارجاع است». او درباره اهمیت این ابلاغیه توضیح داد: «همان‌طور که می‌دانید، انجمن صنعت ساختمان سال‌هاست با سیستم ارجاع مخالف است اما دلیل این مخالفت چیست؟ در نظام‌های حرفه‌ای دنیا، از جمله نظام پزشکی و نظام مهندسی، مهندسان براساس صلاحیت و توانمندی‌های حرفه‌ای خود رتبه‌بندی و گریدبندی می‌شوند. آنها همچنین آموزش‌های لازم را دریافت می‌کنند و در نهایت، متناسب با صلاحیت حرفه‌ای خود، در یک طبقه‌بندی مشخص قرار می‌گیرند. علاوه بر این، ظرفیت مشخصی برای فعالیت آنها احراز می‌شود تا بتوانند در چارچوب ظرفیت تعیین‌شده فعالیت کنند. در گذشته هم شرایط به همین شکل بود؛ هر مالک یا سازنده‌ای می‌توانست شخصا ناظر موردنظر خود را انتخاب کند و براساس اصل آزادی قراردادها، با او قرارداد منعقد کند. در واقع، مطابق این اصل، طرفین می‌توانند در چارچوب ضوابط و مقررات، قرارداد مورد توافق خود را منعقد کنند. از سوی دیگر، اصل نظارت هم برقرار بود و سازمان نظام مهندسی وظیفه داشت صلاحیت و رتبه‌بندی مهندسان را انجام دهد». رئیس انجمن صنعت ساختمان ادامه می‌دهد: «در سال‌های اخیر، این روند به سیستم ارجاع تبدیل شد. سیستمی که عنوان آن ارجاع خودکار و اتوماتیک و در عمل، زمینه‌ساز رانت و فساد است و ارقام این رانت و فساد گاه چنان بزرگ بود که برخی مهندسان شاغل در سازمان نظام مهندسی که زدوبندهایی با مدیران سازمان، اعضای هیئت‌مدیره و رؤسای سازمان در دوره‌های مختلف داشته‌اند، شرکت‌هایی تأسیس کرده تا بتوانند از این رانت بهره‌مند شوند. همچنین در سال‌های گذشته شاهد بودیم برخی با خرید مدرک مهندسان، شرکت‌هایی را تأسیس و راه‌اندازی کردند تا از این سفره رانت بی‌نصیب نمانند و متأسفانه ساختار به‌گونه‌ای بود که نظارت مؤثری بر عملکرد این شرکت‌ها وجود نداشت و در واقع این شرکت‌ها بدون آنکه نقش واقعی و مؤثری در ارائه خدمات مهندسی داشته باشند، وارد این کسب‌وکار شده و مبالغ قابل توجهی از این مسیر کسب درآمد کرده‌اند. جالب است این شرکت‌ها مبالغ قابل توجهی از مالکان و سازندگان دریافت می‌کردند، بدون آنکه حتی به پروژه مراجعه کنند یا نظارت مؤثری بر روند اجرای آن داشته باشند». جوزی همچنین می‌گوید: «این در حالی است که در طول سال‌های گذشته و در مقررات ملی ساختمان در بسیاری از موارد به نظر مهندس ناظر ارجاع داده شده است اما ساختار نادرست سبب شده بود ابزار اعمال قدرت در این زمینه، به صورت انحصاری در اختیار سازمان نظام مهندسی قرار بگیرد و زمینه فساد را مهیا کند و این فساد چنان درآمدهای هنگفتی ایجاد کرده بود که شیوه تصدی صندلی‌های سازمان نظام مهندسی در سال‌های گذشته همواره محل شک و شبهه بوده است و حتی گمانه خرید این کرسی‌ها مطرح می‌شد. به همین دلیل انجمن صنعت ساختمان یکی از ماموریت‌های اصلی خود را مقابله با این فساد ساختاری قرار داد و خوشبختانه هم‌اکنون وزارت راه و شهرسازی و شخص خانم وزیر با اشراف بر این مسئله، یکی از بسترهای رانت و فساد در این صنعت را برچیده است». او در ادامه تأکید می‌کند: «اصولا وقتی مهندسان توسط سازمان نظام مهندسی گریدبندی و رتبه‌بندی می‌شوند، دیگر نباید برای سازمان نظام مهندسی تفاوتی داشته باشد که یک سازنده یا مالک با کدام مهندس قرارداد منعقد می‌کند. البته در این زمینه تفسیرهای مختلفی وجود دارد. جامعه حدود ۶۰۰ هزار نفری اعضای سازمان نظام مهندسی همواره بر این ادعا تأکید داشته‌اند انتخاب مهندس ناظر باید به‌صورت تصادفی و رندوم انجام شود. در حالی که خود این افراد شاید از این موضوع اطلاع نداشته‌اند که سیستم مذکور اساسا یک سیستم رندوم نبوده، بلکه در عمل، فرآیند انتخاب به‌صورت دستی انجام می‌شده است. از سوی دیگر، هر مهندسی که نظارت مناسبی داشته و بر قوانین و ضوابط نظارت تسلط کافی داشته باشد، می‌تواند خدمات حرفه‌ای خود را ارائه کند». رئیس انجمن صنعت ساختمان همچنین توضیح می‌دهد: «در این میان بدیهی است که مالکی که تمام سرمایه و دارایی خود را برای اجرای یک پروژه اختصاص می‌دهد، قطعا خواهان ساخت ساختمانی باکیفیت، مستحکم و بادوام است؛ اما در عین حال، به ناظری نیاز دارد که اهل تعامل، آموزش و راهنمایی باشد، نه ناظری که با استفاده از این ابزار حاکمیتی، زمینه ایجاد رانت را فراهم کند و موجب شکل‌گیری مبادلات مالی غیرشفاف، اعم از پرداخت‌های زیرمیزی و روی‌میزی شود».

نفع عمومی باید بر نفع رانت‌جویان معترض بچربد

جوزی در ادامه می‌گوید: «در سایر کشورهای جهان نظام‌های حرفه‌ای صرفا مسئولیت رگولاتوری و تنظیم‌گری را بر عهده دارند و در ایران، موضوع کنترل کیفیت ساختمان در سال‌های گذشته به‌واسطه قانون نظام مهندسی و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مصوب بعدی انجام شده است که عملا اختیارات سازمان نظام مهندسی را از حدود وظایف قانونی فراتر برده است. به عبارت دیگر، ما یک وظیفه حاکمیتی را به سازمان نظام مهندسی واگذار کرده‌ایم و همین موضوع زمینه‌ساز ایجاد فساد شده است. در حالی که این مسئولیت باید در اختیار شهرداری‌ها یا دولت باشد و در سایر کشورهای جهان وظیفه رگولاتوری در انحصار یک سازمان خصوصی قرار نمی‌گیرد».

او اضافه می‌کند: «بنابراین، من با ساختار قانون نظام مهندسی که طی سال‌های گذشته از مسیر اصلی خود منحرف شده است، مخالف هستم. هرچند اصلاح این قانون نیازمند اقدامات و اصلاحات اساسی و طی فرآیند قانونی در مجلس شورای اسلامی است و انجمن صنعت ساختمان در کمیسیون عمران مجلس و کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در حال پیگیری موضوع است تا این ساختار را اصلاح کند. با این حال، همین اقدام اخیر خانم وزیر نشان از آگاهی و اشراف ایشان بر مسئله دارد و زمینه رانت گسترده را برچیده و این اتفاق ارزشمندی است». رئیس انجمن صنعت ساختمان توضیح می‌دهد: «اکنون براساس اصل آزادی قراردادها، هر مالک و هر سازنده‌ای می‌تواند مهندس ناظر موردنظر خود را انتخاب کند. حتی مالکان و سازندگان به سامانه جامع مهندسان نیز دسترسی دارند؛ سامانه‌ای که در آن مشخصات کامل مهندسان و سوابق حرفه‌ای مهندسان ناظر ثبت شده است؛ بنابراین مالک و سازنده می‌توانند با آگاهی و اطلاع کامل، سوابق مهندسان را مشاهده و بررسی کنند و پس از ارزیابی اطلاعات موجود، از میان فهرست مهندسان، ناظر موردنظر خود را انتخاب کنند و البته طبیعی است که برخی افراد در سازمان نظام مهندسی و در میان جامعه ۶۰۰ هزار نفری اعضای این سازمان، به‌ویژه افرادی که از این بسترهای رانتی منتفع بوده‌اند، با چنین تصمیمی مخالف باشند و البته طبیعی است که بستن هر روزنه فساد صدای ذی‌نفعان را بلند کند اما تصمیمات دستگاه حاکمیتی و دولتی باید براساس نفع عمومی و منافع ملی باشد و نفع اشخاص و گروه‌ها را به نفع عمومی ارجحیت ندهد».

«شرق» از تأثیر اقتصاد و هزینه‌های زندگی بر کنش سیاسی رأی‌دهندگان آمریکایی گزارش می‌دهد

رأی مصرف‌کننده آمریکایی به پایان جنگ



عکس: gettyimages

شرق: بررسی رفتارهای نامزدهای انتخاباتی و مردم آمریکا در دوره‌های مختلف رأی‌گیری نشان می‌دهد اقتصاد و هزینه‌های زندگی یک عامل کلیدی بر کنش سیاسی مردم آمریکاست؛ جمهوری‌خواهان آمریکا دیروز در شکستی سنگین مجلس نمایندگان و سنا را به دموکرات‌ها واگذار کردند و دموکرات‌ها نه‌تنها کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنا را با اختلاف قابل توجه از جمهوری‌خواهان پس گرفتند، که برخی پایگاه‌های سنتی جمهوری‌خواهان هم دست رد به سینه حزب متبوعشان زدند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دموکرات‌ها حتی در ایالت‌هایی پیروز شدند که ترامپ دو سال پیش با اختلاف دورقمی در آنها برده بود و روزنامه گلف‌نیوز نوشت این نتیجه ادعای کسانی را به چالش می‌کشد که فرض می‌کردند رأی‌دهندگان در ازای وعده امنیت، هزینه‌های بالاتر زندگی را برای مدت نامحدود تحمل می‌کنند. البته این نتیجه همان‌گونه که از مدت‌ها قبل رسانه‌های آمریکایی پیش‌بینی می‌کردند، دور از انتظار نبود؛ چراکه اقتصاد و هزینه‌های زندگی در طول دوره‌های انتخاباتی مختلف، برای رأی‌دهندگان آمریکایی بسیار مهم است و مردم آمریکا بارها به‌صراحت اعلام کرده‌اند پول مالیات‌دهندگان آمریکایی نباید خرج جنگ در کشورهای دیگر شود. جمهوری‌خواهان در یک شکست سنگین مجلس نمایندگان و سنا را به دموکرات‌ها واگذار کردند؛ موضوعی که از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد، چراکه هزینه‌های زندگی برای رأی‌دهندگان آمریکایی یک آیتم کلیدی است. ازقضا رأی به دولت دوم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا محصول همین مسئله بود. جنگ روسیه و اوکراین منجر به جهش قیمت انرژی و غذا در آمریکا شد و تورم این کشور را پس از حدود نیم‌قرن تا آستانه دورقمی‌شدن پیش برد؛ بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، قیمت نفت برنت از ۷۸ دلار در ابتدای ژانویه ۲۰۲۲ به ۱۲۵ دلار در مارس همان سال رسید. افزایش قیمت انرژی و مشکلات زنجیره تأمین پس از همه‌گیری کرونا سبب شد در انتخابات ۲۰۲۴ ریاست‌جمهوری آمریکا هم هزینه‌های زندگی و اقتصاد تأثیر خود را نشان دهد و در نظرسنجی‌های مختلف رأی‌دهندگان آمریکایی از انگیزه‌های اقتصادی خود برای شرکت در انتخابات و تورم و فشارهای زندگی مکرر خبر داده بودند. این عامل در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ به حدی اهمیت داشت که دونالد ترامپ در کمپین‌های انتخاباتی خود به صورت مکرر از عملکرد نامطلوب دولت جو بایدن بر اقتصاد انتقاد کرد. او در سخنرانی‌های خود ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت بایدن را عامل بحران فروپاشی بازارها معرفی کرد. العربیه هم در همین زمینه نوشت: «اقتصاد در ایالات متحده آمریکا، موضوعی بسیار مهم برای رأی‌دهندگان محسوب می‌شود و ناکامی در زمینه آن باعث کاررفتن شماری از رؤسای جمهوری از قدرت در این کشور شده و چهره‌های جدیدی را به کاخ سفید آورده است، چراکه شرایط عمومی اقتصادی در ایالات متحده آمریکا به طور مستقیم بر معیشت افراد، از جمله امنیت شغلی، دستمزد، هزینه‌های زندگی و نرخ بیکاری شهروندان تأثیر می‌گذارد». همان زمان دونالد ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی اختصاصی خود، «تروث‌سوشال»، نوشت: «به سمت جنگ جهانی سوم می‌رویم و دو نفر از ناتوان‌ترین رهبران تاریخ آمریکا را بر سر کار داریم». او همچنین افزود: «بازارهای سهام در حال فروپاشی است و آمار اشتغال ترسناک است». او در کمپین‌های تبلیغاتی خود به وفور گفت دولت دموکرات کنونی باعث افزایش سطح تورم شده و نتوانسته است به مشکل بیکاری رسیدگی کند. حالا همین موضوع و جنگ آمریکا علیه ایران دستاویز تبلیغاتی دموکرات‌ها شد و آنها بارها و بارها در رسانه‌ها و سخنرانی‌های تبلیغاتی خود اعلام کردند جنگ دولت ترامپ علیه ایران عامل فشارهای اقتصادی بر خانوارهای آمریکایی شده است و بالاخره این تبلیغات کار خود را کرد و دست بر اقتصاد به عنوان نقطه ضعف رأی‌دهندگان آمریکایی گذاشت.

جنگ و گرانی در آمریکا

برای فهم اینکه چرا جنگ تا این اندازه در ذهن رأی‌دهندگان بود، باید به خود جنگ برگردیم. طبق گزارش سی‌ان‌بی‌سی، جنگ با حملات مشترک آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه آغاز شد و در این حملات چند مقام ارشد ایرانی از جمله رهبر انقلاب اسلامی شهید شدند. گزارش پژوهشی کنگره آمریکا (CRS) نیز می‌گوید حملات آمریکا و اسرائیل از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ یک درگیری گسترده منطقه‌ای را برانگیخت و ایران با حملات تلافی‌جویانه به اهداف مختلف خاورمیانه و تلاش برای کنترل تنگه هرمز از طریق تهدید و حمله به کشتی‌های تجاری واکنش نشان داد. پیامد اقتصادی این وضعیت برای مصرف‌کننده آمریکایی مستقیم بود. به نوشته سی‌ان‌بی‌سی، قیمت نفت برنت از حدود ۷۲ دلار در ۲۷ فوریه تا نزدیک ۱۲۰ دلار در اوج بحران بالا رفت، یعنی بیش از ۵۵ درصد افزایش، آن هم به‌خاطر نگرانی از اختلال در عرضه از مسیر تنگه هرمز. NPR هم در گزارشی از همان ماه‌های ابتدایی گفت دولت ترامپ برای مهار قیمت بنزین به ذخیره راهبردی نفت دست زده بود، در حالی که ترامپ با وعده کاهش قیمت بنزین کمپین کرده بود. این تناقض میان وعده انتخاباتی و واقعیت بازار، یکی از مضمون‌های اصلی نقد دموکرات‌ها بود. همچنین جنگ به‌سرعت تمام نشد. بر اساس گزارش CRS، پس از تفاهم‌نامه‌ای که فروکش کرد، آمریکا در ۲۶ ژوئن نخستین حملات پس از آن تفاهم‌نامه را انجام داد و در اوایل سپتامبر دو طرف دوباره با شدتی نزدیک به اوج ماه جولای به تبادل حمله پرداختند. یک سایت تحلیلی بازار انرژی تاریخ این تفاهم‌نامه را ۱۷ ژوئن ثبت کرده و می‌گوید پس از آن جریان تنگه هرمز بالا رفت و نفت برنت در ۱۶ ژوئن به زیر ۸۰ دلار رسید. یعنی این جنگ یک بحران کوتاه نبود که پیش از انتخابات تمام شود. تا روز انتخابات هم وضعیت حل نشده بود: الجزیره در همان روز ۳ نوامبر گزارش داد آمریکا برای نخستین بار از ماه ژوئن به جزیره قشم حمله کرد و در همان حال میانجیگری به رهبری قطر برای جلوگیری از بازگشت به جنگ تمام‌عیار ادامه دارد.

مهم‌ترین شواهد درباره نقش جنگ از نظرسنجی‌های خروج از پای صندوق می‌آید. شبکه NBC که از داده‌های مؤسسه SSRS و کنسرسیومی از رسانه‌ها بهره می‌برد، گزارش داد ۶۲ درصد از رأی‌دهندگان گفتند آمریکا در اقدام نظامی علیه ایران تصمیم اشتباهی گرفته است. نسخه به‌روزشده همین گزارش این رقم را ۶۳ درصد ذکر می‌کند. این اختلاف یک‌درصدی احتمالا به‌روزرسانی داده‌ها در طول شب است. NBC همچنین نوشت ۴۵ درصد از رأی‌دهندگان دموکرات مجلس نمایندگان گفتند جنگ برای رأی‌شان تعیین‌کننده بوده، در حالی که این رقم در میان رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه ۲۱ درصد بود. عدد برجسته‌تر این است: بر اساس نظرسنجی SSRS، ۷۴ درصد از رأی‌دهندگان، جنگ ایران را عاملی «تعیین‌کننده یا مهم» در رأی‌شان به کنگره دانستند. این رقم در چندین منبع تکرار شده است، از جمله در گزارش «ریسپانسیبل استیت‌کرفت» که می‌نویسد ۷۴ درصد، جنگ را عاملی تعیین‌کننده یا مهم دانستند و ۶۲ درصد استفاده از نیروی نظامی علیه ایران را تصمیمی اشتباه خواندند. اما درباره اینکه این گروه ۷۴درصدی چگونه رأی دادند، منابع یکسان نیستند.

یک منبع می‌گوید دموکرات‌ها ۶۳ درصد از این رأی‌دهندگان را بردند و منبعی دیگر در یک جا ۵۵ درصد برای دموکرات‌ها و ۴۲ درصد برای جمهوری‌خواهان ذکر می‌کند و در جایی دیگر در همان متن ۶۲ درصد. این ناسازگاری در خودِ یک مقاله نشان می‌دهد باید احتیاط کرد. تنها نتیجه‌ای که با اطمینان می‌شود گرفت، این است که دموکرات‌ها در میان رأی‌دهندگانی که جنگ را مهم می‌دانستند برتری داشتند، اما اندازه دقیق آن برتری را باید از جدول رسمی خروج از پای صندوق پس از انتشار نهایی گرفت.

یک نکته مهم دیگر قطبی‌بودن جنگ است. به نوشته نشریه فدرالیست که این داده‌ها را از NBC نقل کرده، از کسانی که جنگ را «عاملی جزئی یا بی‌اثر» دانستند (۲۶ درصد)، ۷۰ درصد به جمهوری‌خواهان و ۲۸ درصد به دموکرات‌ها رأی دادند. همین منبع می‌گوید ۳۷ درصد تصمیم دولت را درست می‌دانستند که ۹۱ درصدشان به جمهوری‌خواه‌ها رأی دادند و ۶۳ درصد آن را اشتباه می‌دانستند که ۸۲ درصدشان به دموکرات‌ها رأی دادند. باید توجه داشت فدرالیست رسانه‌ای محافظه‌کار است، اما داده‌ها از نظرسنجی NBC نقل شده و با ارقام بقیه منابع همخوانی دارد. این الگو نشان می‌دهد جنگ تقریبا به یک «خط گسل هویتی» تبدیل شده بود: کسانی که آن را اشتباه می‌دانستند به‌طور قاطع دموکرات شدند و کسانی که درست می‌دانستند، به همان شدت جمهوری‌خواه ماندند. بنابراین جنگ بیشتر به دموکرات‌ها کمک کرد تا اینکه تعداد زیادی رأی‌دهنده جمهوری‌خواه را عوض کند.

اهمیت اقتصاد و درمان برای رأی‌دهندگان آمریکایی

اهمیت جنگ فقط در نظرسنجی روز انتخابات دیده نشد. به گزارش ریسپانسیبل استیت‌کرفت، مؤسسه گالوپ هفته پیش از انتخابات اعلام کرد ۷۷ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده وضعیت ایران را «بسیار» یا «تا حد زیادی» برای رأی خود مهم می‌دانند، در کنار اقتصاد و درمان. در همان گزارش آمده نظرسنجی اواخر اکتبر مؤسسه‌های NetChoice و اکو اینسایتس در شش ایالت کلیدی نشان داد «پایان‌دادن به جنگ با ایران» سومین اولویت پرتکرار رأی‌دهندگان بود، بعد از هزینه زندگی و شغل». یک نظرسنجی فاکس‌نیوز هم در اوایل اکتبر نشان داد ۷۵ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده نسبت به جنگ «بسیار» یا «تا حد زیادی» نگران هستند. اینکه حتی فاکس‌نیوز که تمایل محافظه‌کارانه دارد، چنین رقمی را گزارش کرده، نشان می‌دهد نگرانی از جنگ محدود به یک طیف سیاسی نبود. در نتیجه این بار رأی مصرف‌کننده آمریکایی که در امروز و آینده در صورت تداوم جنگ متضرر می‌شود، رأی تعیین‌کننده نتیجه انتخابات بود.

جنگ هزینه‌های زندگی را صعودی کرد

نکته‌ای که تحلیلگران بر آن تأکید می‌کنند، این است که جداکردن «اثر جنگ» از «اثر تورم هزینه» تقریبا ناممکن است؛ چون جنگ از طریق قیمت‌ها وارد زندگی روزمره شد. شبکه NBC در گزارش خود نوشت رأی‌دهندگان نگرانی‌های اقتصادی را پررنگ ذکر کردند و هزینه‌های رو به رشد سوخت یکی از پیامدهای اقتصادی جنگ بود. آسوشیتدپرس هم انتخابات را این‌طور توصیف کرد که نارضایتی عمیق رأی‌دهندگان از گرانی، جنگ ایران و نگرانی درباره فساد دولتی را منعکس می‌کرد؛ یعنی خود رسانه‌ها هم جنگ را کنار تورم قرار دادند. برخی سیاست‌مداران نیز همین پیوند را برجسته کردند. چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها در سنا، پیروزی حزبش را به تمرکز «بی‌وقفه» بر مسائل معیشتی و «آشوب در خارج در جنگی که هیچ‌کس نمی‌خواهد» نسبت داد. آدام همیلتون، نامزد دموکرات که در کانزاس برنده شد، فشار اقتصادی ناشی از تعرفه‌ها و جنگ ایران را از دلایل جذب رأی جمهوری‌خواهان و مستقل‌ها به سبد دموکرات دانست. پیام اصلی گزارش‌های تحلیلی هم همین است. روزنامه گلف‌نیوز نوشت این نتیجه ادعای کسانی را به چالش می‌کشد که فرض می‌کردند رأی‌دهندگان در ازای وعده امنیت، هزینه‌های بالاتر زندگی را برای مدت نامحدود تحمل می‌کنند. این یک تفسیر تحلیلی است و نه یافته قطعی، اما با داده‌های نظرسنجی همخوان است.

شواهد موجود سه چیز را با اطمینان می‌گویند: اول، دموکرات‌ها طبق پیش‌بینی چند رسانه بزرگ کنترل هر دو مجلس کنگره را به دست می‌آورند، هرچند ارقام دقیق و تأیید رسمی منتظر شمارش نهایی است. دوم، جنگ ایران در ذهن رأی‌دهندگان بسیار پررنگ بود: حدود سه‌چهارم رأی‌دهندگان آن را عاملی تعیین‌کننده یا مهم دانستند و حدود ۶۲ تا ۶۳ درصد آن را تصمیمی اشتباه خواندند. سوم، خود ترامپ پذیرفته جنگ در باخت حزبش نقش داشته است.



